

فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام
سال نهم، شماره سی و سوم، بهار ۱۳۹۸
مقاله پژوهشی، صفحات ۹۷ - ۱۱۵

مالیات قبطی‌ها در نظام مالیاتی ممالیک

طاهره عظیم زاده تهرانی^۱
غلامحسین بشکنی^۲
شهربانو دلبری^۳

چکیده

امور مالیاتی دوره ممالیک (حک. ۶۴۸-۹۲۳) به سبب نبود نظام منظم و ثابت و نیز دشواری در مدیریت بودجه، همواره در حال تغییر و دگرگونی بود. با توجه به اینکه بخشی از درآمدهای ممالیک مانند دولت‌های پیشین بر گرفتن مالیات از غیرمسلمانان قبطی استوار بود؛ منابع این دوره نشان می‌دهد ممالیک به سبب عوامل گوناگون مجبور شده‌اند تا در شیوه دریافت مالیات و انواع آن از غیر مسلمانان تغییراتی ایجاد کنند. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که مالیات قبطی‌ها در دوره ممالیک چه تغییراتی کرده و این تغییرات چه تأثیری در نظام مالی و درآمدهای ممالیک داشته است؟ بنابراین یافته‌های این پژوهش، قبطیان با پرداخت مالیات‌های جزیه، ساحل‌العله، حقوق سلطانیه، مظالم، مکوس، موارث، جریمه و مالیات تجهیز سپاه، تأثیر بسیاری بر افزایش درآمد ممالیک داشته و در نهایت در رفع تنگناهای مالی و اقتصادی دولت ممالیک و بهبود وضع اقتصادی آنان نیز موثر بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ اقتصادی مصر، جزیه، قبطی‌ها، نظام مالیاتی ممالیک، مالیات‌های قبطی‌ها.

۱- دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (نویسنده مسئول).
ta-azim@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
gholamhoseinbeshkani@gmail.com

۳- استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد. tarikh-2003@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۴

درآمد

پس از تسلط مسلمانان بر مصر قبطیان مخصوصاً در دوران بحران و رکود، با پرداخت انواع مالیات تأثیر زیادی بر اقتصاد این کشور داشتند. هنگام ورود مسلمانان به مصر در سال ۲۱ هجری، عمرو بن عاص به عنوان نماینده مسلمانان با قبطی‌ها مصالحه‌نامه‌ای امضاء کرد که براساس آن مردان قبطی دو دینار جزیه پرداخت کردند و زنان و کودکان از پرداخت جزیه معاف شدند. از مفاد دیگر این مصالحه‌نامه، پذیرایی سه روزه قبطیان از مسلمانان و در اختیار گذاشتن اراضی و اموال به آنان بود (ابن عبدالحکم، ۵۳-۷۲).

قبل از فاطمیان نقش قبطی‌ها در امور دیوانی و حکومتی اندک بود. در دوره فاطمیان، قبطیان با کمک به کشورداری و اداره دیوان‌ها و جمع‌آوری مالیات‌ها به موجودیت خود ادامه دادند. به سبب مهارت بالای قبطی‌ها در اداره دیوان‌ها و امور حکومتی، نقش آنان در دوره فاطمیان (حک. ۲۹۷-۵۶۷) بیشتر شد. هرچند تا این دوره تأثیر قبطی‌ها در پرداخت مالیات دارای فراز و نشیب‌های فراوانی بود (محمود، ۴). قبطی‌ها علاوه بر پرداخت مالیات به سبب قابل اعتماد بودن در امور اقتصادی مصر نقش بسیار مهمی داشتند (عامر فاطمه، ۱۷۴). پس از فاطمیان ایوبیان (حک. ۵۶۷-۶۴۸) و ممالیک نیز روش آنان را در سپردن امور اداری و دیوانی به قبطیان ادامه دادند. دو گروه ممالیک بحری (۶۴۸-۷۸۴) و ممالیک برجی (۷۸۴-۹۲۳) با همان روش دریافت مالیات از قبطی‌ها جایگاه عمده آنان را در اقتصاد و حکومت ممالیک حفظ کردند (نجوان‌احمد، ۱۵۴). نه تنها وضع اقتصادی و پرداخت مالیات به طور کلی در عصر ممالیک مصر، بلکه پرداخت هر نوع مالیاتی که به صورت اختصاصی از قبطی‌ها دریافت می‌شد در این دوره فراز و فرود زیادی داشت. سؤال اصلی این پژوهش، تأثیرگذاری قبطی‌ها در وضع اقتصادی و نظام مالیاتی مصر است؟ درباره نظام مالی و اقتصادی دوره ممالیک تحقیقات و آثار چندی انجام شده که در ضمن آنها به قبطی نیز اشاراتی شده است. با این حال تاکنون تحقیق مستقلی درباره این موضوع انجام نشده است. از مهمترین آثار مرتبط با این مقاله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کتاب *النظم المالیه فی مصر والشام* زمن سلاطین الممالیک اثر البیومی (۱۹۹۸م) و مقاله قزوینی و همکاران (۱۳۹۵ش) با

عنوان «ضعف و سقوط حکومت ممالیک، دلایل و زمینه‌های اقتصادی»، به وضعیت مالی مصر و شام در زمان ممالیک می‌پردازد و در آن به مالیات‌های قبطیان نیز اشاراتی دارند. در فصل هفتم کتاب چهارچوبی برای پژوهش در تاریخ اسلام، مقاله‌ای با عنوان «سازمان مالی امپراتوری ممالیک» اثر آر. استیفن هامفریز (۱۳۶۹ش)، منابع مربوط به نظام مالی ممالیک معرفی شده است. کتاب *اقباط والمسلمون منذ الفتح العربی الی عام ۱۹۲۲م* از تاجر جاک (۲۰۱۰م)، نیز به طور کلی به روابط قبطی‌ها و ممالیک پرداخته است. آقای عبدالله متولی (۱۳۶۱ش) در رساله دکتری با عنوان *وضعیت اقتصادی ممالیک برجی، و رضا جهانسلو (۱۳۹۳ش)* در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان *منابع حکومت ممالیک برجی در مصر، ضمن بررسی وضع اقتصادی ممالیک برجی اشاراتی نیز به جایگاه اقتصادی قبطیان دارد. با این همه هیچ‌کدام از این‌ها به تأثیر قبطی‌ها در نظام مالیاتی ممالیک متمرکز نشده است.*

نظام مالیاتی ممالیک

نظام مالیاتی ممالیک بر خراج از اراضی خراجی (کشاورزی)، جزیه (سرانه)، مُکوس (عوارض گمرکی) و عُشور استوار بود. مالیات‌ها در این عصر با نام‌های مختلفی چون «المغارم» (تاوان و غرامت)، «الکلف» (مشقت و سختی) و «المظالم» (آنچه از روی ستم گرفته شود) شناخته می‌شدند، که بازتاب‌دهنده افکار عمومی درباره آنهاست (قاسم، عصر سلاطین الممالیک، ص ۱۲). در منابع از مالیات‌های این دوره چنین عناوینی یاد شده است تا میزان ظلم و ستم سلاطین ممالیک را در حق رعایای مصری خویش بیان کند. به نظر می‌رسد که این عناوین در دیوان‌های دولتی نیز به کار می‌رفته است، زیرا قلفشندی (ج ۳، ص ۵۲۶) می‌گوید اسامی مردم برای اخذ مالیات در دفاتری به نام *المُکَلَّفَة* (مشمولین مالیات) ثبت می‌شد.

پس از ظهور و ثبات نظام اقطاعی در جهان اسلام این نوع واگذاری زمین در مصر نیز از اواخر دوره فاطمیان و ایوبیان رواج یافت. به نظر می‌رسد اقطاع در دوره ممالیک همچون دوره سلجوقی نخست به صورت غیرموروثی، با نظارت دولت مرکزی و منطبق بر قوانین و قواعد معین بود اما به تدریج، اقطاع به سمت موروثی شدن

پیش رفت. طبیعی بود که در سایه این نظام اقطاعی، جامعه مصر در عهد ممالیک در ارتباطات و گرایش هایش، جامعه ای طبقاتی باشد؛ امری که آشکارا در همه مظاهر زندگی مصر آن عصر بازتاب یافته است. این جامعه طبقاتی به نظر ابن خلدون (ج ۱، ص ۲۰۷) به دو طبقه سلطان و رعیت تقسیم می شد. بنابراین جامعه مصر آن دوره به دو طبقه حاکم و رعیت یا سلطان و دستگاه حاکم با دو بازوی نظامی و مدنی اش و رعایای مصری تقسیم می شد. ارتباط بین سلطان و رعیت براساس حقوق و وظایف متقابل تعریف نمی شد. زیرا در این نظام طبقاتی سلطان و فرماندهانش به مصر و اهالی آن به عنوان وسیله ای برای کسب سریع ثروت می نگریستند از این رو، رعایا باید حاصل دسترنج خود را به حاکم می پرداختند (قاسم، همانجا). براساس این نظام طبقاتی، اراضی زراعتی در مصر به بیست و چهار قیراط (بخش) تقسیم می شد که سلطان چهار قیراط را به خود و ده قیراط به سپاهیان اختصاص می داد و ده قیراط باقی مانده را به فرماندهان واگذار می کرد. در این میان برای مردم مصر غیر از زراعت و تسلیم دسترنج (محصولات زراعی) خود به پادشاهان چیزی باقی نمی ماند. حاکمان از زمین های اقطاعی مالیات هایی چون: خراج، جزیه، زکات، عوارض از استخراجات معادن، احباس (توقیف و ضبط اموال) و مکوس دریافت می کردند (اسماعیل، ۳۰۲-۳۰۳، ۳۱۴-۳۲۹؛ قاسم، همان، ۱۱). در کنار این مالیات ها قبطی ها نیز پنج نوع مالیات می پرداختند: ۱- مالیات سرانه یا جزیه ۲- خراج (مالیات ارضی) ۳- رسم گندم ۴- مبلغی برای تأمین عوارض و مالیات های فوق العاده، حق الحفاظه، ضیافت و جامه بهای مسلمانان ۵- مبلغی برای تأمین مخارج مأمورین محلی (دنت، ۱۷۳).

در پی فساد نظام اقطاعی در اواخر عصر ممالیک نه تنها زمین های مرغوب کشاورزی در انحصار عده ای خاص قرار گرفت، بلکه کشاورزان به عنوان برده صاحبان اقطاع، از هر گونه حقوقی بی بهره بودند (طغوش، ۵۶۲). همین تقسیمات نامناسب و بی توجهی و غفلت از زمین باعث گرانی و قحطی در اثر محجور ماندن کارکرد اصلی زمین ها شدند. از این رو بی دلیل نیست که در کنار دیگر عوامل و مشکلات اقتصادی، باید فساد نظام اقطاعی و پرداخت مالیات سنگین و بی توجهی و تقسیم ناعادلانه زمین را از عوامل مهم ضعف نظام مالیاتی و متشنج شدن آن ذکر کرد. هم چنین یکی از مصادیق ناامنی در

حوزه مالیاتی، مصادره اموال و املاک مردم بود که سلاطین و امرای مملوکی در سطح وسیع انجام می دادند. در همین جهت، وادار کردن مردم به پرداخت مبالغ زیاد به حکومت یا مصادره اموال آنان به دلیل مشکلات مالی حکومت، در دوره حکومت سلاطینی چون قانصوه غوری (حک. ۹۲۲-۹۰۷) به اوج خود رسید (طقوش، ۵۶۶).

وضع اقتصادی ممالیک

به قدرت رسیدن ممالیک با تغییراتی در زمینه تجارت بین‌المللی همراه بود. در پی حملات مغولان راه‌های خشکی چین و آسیای صغیر و بندرهای دریای سیاه پر مخاطره شد و فعالیت دزدان دریایی در سواحل بحرین، قطر و سواحل ایرانی خلیج فارس رو به افزایش نهاد. از این رو تاجران از پیمودن راه دریایی از چین به هند و هرمز در خلیج فارس پرهیز می کردند و راهشان را از اقیانوس هند به سمت دریای احمر تغییر دادند. این راه دریایی که تأثیر فوق‌العاده‌ای بر اقتصاد ممالیک بحری (۶۴۸-۷۸۴) می گذاشت به دو شاخه تقسیم می شد: راه اول از طریق سینا به دمشق و بندرهای دریای مدیترانه منتهی می شد و راه دوم از طریق صحرا به سوی نیل و سپس قاهره و دوباره از طریق نیل به اسکندریه می رسید. این شکوفا شدن راه دریایی دریای سرخ، خدمت فراوانی به دولت ممالیک در ابتدای شکل‌گیری آن داشت و مصر واسطه میان تجارت شرق و غرب شد. بعضی از این سلاطین مملوکی مثل قلاوون (۶۷۸-۶۸۹) از کاروان‌های تجاری در مقابل اعراب بدوی حمایت می کردند، در این میان عایدات فراوانی نصیب تاجران مصر و اروپایی می شد، این روابط تجاری به قدری مستحکم بود که حتی تلاش پاپ‌ها در قطع این تجارت هم مؤثر واقع نشد (شبارو، ۱۵۴-۱۵۷). دو شهر عیذاب^۱ و سواکن^۲ پیش از بحران‌های طبیعی مثل وبا و خشک‌سالی و کم شدن آب نیل و بحران‌های خودساخته مثل فساد اداری و اجتماعی اهمیت اقتصادی داشتند. در منطقه مدیترانه چهار شهر اقتصادی و تجاری اسکندریه، دمياط، رشید و بیروت که

۱- شهر بندری کوچکی در ساحل دریای سرخ در مسیر کشتی‌های عبوری از عدن به صعید بود (باقوت حموی، ۱۷۱) / ۴.

۲- بندری مشهور در ساحل دریای سرخ نزدیک عیذاب بود (باقوت حموی، ۲۷۶) / ۳.

روابط اقتصادی را با جهان خارج تنظیم می‌کردند با منابع جنگلی و معدنی فراوان، کمک شایانی به اقتصاد مصر مملوکی داشتند (میکل و لوران، ۳۴۶/۱-۳۴۸).

با اینکه وضع اقتصاد به نفع نظام مالی مصر در دوره ممالیک بحری تغییر یافته بود اما برخی بحران‌های اقتصادی و اجتماعی مشکلاتی را برای دولت مرکزی ایجاد می‌کرد. چنانکه زمان عادل کُتُبغا (۶۹۴-۶۹۶) در سال ۶۹۶ به علت نباریدن باران، گرانی بر مردم مصر تحمیل شد و بر اثر گرسنگی حدود سی هزار نفر از مردم، این منطقه را به داخل مصر ترک کردند. کم آبی سال ۶۹۶ در فسطاط^۱ و قاهره بحران‌هایی را به وجود آورد و گرانی فوق‌العاده‌ای را بر مردم تحمیل کرد (مقریزی، *اغاثة الامة بکشف الغمة*، ۳۲-۳۳). در سال ۷۳۶، کم شدن و گران شدن گندم بحران اقتصادی را در دوره پادشاهی ملک ناصر به وجود آورد. به گونه‌ای که سلطان انبارهای گندمش را بین مردم و نانوایان توزیع کرد. در سال ۷۷۶، بحران دیگری پدید آمد که علت آن کم شدن آب نیل گزارش شده است (همان، ۳۹-۴۰). به نظر می‌رسد طغیان نیل و کم آبی سرمنشأ بیشتر بحران‌های اقتصادی دوره ممالیک بحری بود البته بنا به گزارش مقریزی، در دوره ممالیک برجی، رشوه، ثروت‌اندوزی امیران دولتی و رواج سکه‌های مسی به نام فلوس بر مشکلات اقتصادی مردم افزوده بود (همان، ۴۳-۴۷). انتشار طاعون‌های وحشتناک در دوره ممالیک برجی به‌ویژه در سال‌های ۸۷۳، ۸۸۸، ۸۹۷، ۹۰۳، ۹۰۹، ۹۱۲ و ۹۱۹ باعث کشته شدن هزاران نفر شد که در ضعف اقتصادی مصر و به‌ویژه قبطیان که عموماً کار کشاورزی انجام می‌دادند تأثیر داشت (شبارو، ۱۶۲). با توجه به گزارش‌ها در این زمان رکود و بحران اقتصادی، تمام مردم مصر از جمله مسیحیان قبطی را درگیر کرده بود. در نتیجه این بحران، نابودی نظام اقطاعی، افزایش هزینه‌ها (عطا، ۱۲۲۷) و مصادره اموال رخ نمود (ابن ایاس، ۴۴۳/۳). به نظر می‌رسد همه این موارد موجب افزایش و تنوع مالیات‌ها به‌ویژه برای قبطی‌ها بوده است.

۱- فسطاط به معنی شهر نظامی در قرون اولیه اسلام «مصر» نامیده می‌شد. از دوران صلاح‌الدین ایوبی فسطاط و قاهره به تدریج به هم متصل شدند و آن دو را با هم مصر و القاهره می‌خواندند و مورخان خطط، آثار خود را با عنوان خطط مصر و القاهره می‌نگاشتند. بعد از مدتی واو بین آن دو برداشته و به آن مصر القاهره گفته شد. بعد از ویرانی شهر فسطاط، تنها شهر قاهره در منابع معرفی شده است (نورایی و شعرباغچی‌زاده، ۱۹).

انواع مالیات قبطی‌ها

قبطی‌ها جزیی از ساکنان مصر دوره مملوکی بودند و از حوادث جاری تأثیر می‌پذیرفتند. آنها همواره تسلیم سیستم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مصر بودند. علاوه بر تبعیت از تحولات قوانین حکومت ممالیک، در پرداخت مالیات نیز تابع حکومت بودند (قاسم، اهل الذمه فی مصر الوسطی، ۱۴۵). آنان مالیات گوناگونی می‌پرداختند:

الف: جزیه

جزیه مبلغ سرانه یا سربهایی بود که از اهل کتاب به صورت سالیانه گرفته می‌شد و اگر کسی در طول سال فوت می‌شد از ارث او نیز به اندازه آنچه در آن سال زندگی کرده گرفته می‌شد. این جزیه یا به خاطر کفرشان و از باب تحقیر یا از جنبه مدارا و دوستی و برای ایجاد امنیت از آنها گرفته می‌شد (ماوردی، ۱۸۱؛ مقریزی، الخطط، ۲۰۱/۱؛ قلقشندی، ۵۳۰-۵۳۱). جزیه بر مرد آزاد و عاقل واجب بود و از کودک و زن و دیوانه گرفته نمی‌شد چون این‌ها عائله مرد بودند (نویری، ۱۷۴/۸).

در نظام مالی و اداری مصر، به جای واژه جزیه، اصطلاح جوالی به‌کار می‌رفت. جوالی، جالیه، جالّه، جالیه و جوال، به گروه‌هایی از اهل ذمه گفته می‌شد که به سرزمین دیگری مهاجرت کرده بودند، اما این واژه بعدها مترادف جزیه شد (خوارزمی، ۴۰؛ ابن منظور، ذیل واژه «جلا»). جزیه علاوه بر اینکه یکی از مهم‌ترین موارد مالی برای دولت بود یکی از شرایط اساسی در عقد ذمه نیز به شمار می‌رفت. جزیه یکی از چهار نوع مالیاتی بود که در مصر اسلامی دوره ممالیک از اهل ذمه گرفته می‌شد. قبطی‌ها در حکومت ممالیک، وضعیت یکسانی نداشتند، گاهی جلوی فعالیت آن‌ها گرفته و کلیسایشان بسته و از آنها جزیه گرفته می‌شد. با وجود اینکه قبطی‌ها به علت درگیری‌های داخلی، رنگ آسایش و آرامش در زندگی‌شان نمی‌دیدند. اما با پرداخت جزیه به نوعی تحت حمایت حکومت ممالیک تقریباً زندگی آرامی داشتند و از نظر دینی مورد ظلم و ستم واقع نمی‌شدند (بوتشر، ۲۴۹).

در این دوره به علل مختلف، از جمله گرویدن بسیاری از نصارای قبطی به اسلام، درآمد جزیه کاهش یافت. در آغاز حکومت ممالیک بحری (۶۴۸)، درآمد جزیه مختص

سلطان بود و مصارف عمومی نداشت. از سال ۷۱۵، پس از اصلاحات ارضی به نام به روک^۱ ناصری، در زمان الناصر محمد بن قلاوون (حک. ۶۹۸-۷۰۸)، وصول جزیه از اهل ذمه هر منطقه به صاحب خراج آن منطقه واگذار شد و هزینه کرد آن به مصارف عمومی تغییر یافت (مقریزی، الخطط، ۱/۱۶۵). چون در این اصلاحات، به نصارا آزادی عمل بیشتری در نقل مکان زندگی اعطا شده بود، عملاً فرار از جزیه نیز آسان تر شد و درآمد دولت از محل جزیه به طور چشمگیری کاهش یافت (اسماعیل، ۳۲۶). از سوی دیگر، دولت برای جبران این کسر بودجه به راه‌های دیگری متوسل می‌شد، مانند اخذ جزیه مضاعف یا دوبار در سال (مقریزی، الخطط، ۴/۱۶۷). بر خلاف سنت قدیم، که معمولاً جزیه در ماه محرم گرفته می‌شد، در این دوره، موعد اخذ جزیه بیشتر در ماه رمضان بود (Stilt, 122). در دوره ممالیک برجی، جزیه اهمیت بیشتری یافت.

کم شدن درآمد مالیات‌ها در این دوره باعث ایجاد تفرقه بین دولت و نظام اقطاعی شد (قاسم، اهل الذمه، ۸۷). ملک مؤید شیخ (۸۱۵-۸۲۴) در گرفتن جزیه جدید به خرج داد و از ثروتمندان اهل ذمه چهار دینار، طبقه متوسط دو دینار و فقیر یک دینار جزیه گرفت (مقریزی، السلوک، ۶/۳۴۰-۳۴۱). وی در ماه رمضان سال ۸۱۵، یهودیان و مسیحیان را در کنار مسجدالحاکم قاهره گرد آورد. خطیب مسجد ابن طولون، قاضی عسکر و صدرالدین بن العجمی محتسب قاهره نیز در این گردهمایی حضور داشتند. این سه مقام رسمی و سلطان متفق شدند که از هر فرد مسیحی و یهودی مالیات به صورت مستقیم جمع‌آوری شود. بر این اساس اسامی مسیحیان و یهودیان حاضر به منظور دریافت جزیه بر اساس استطاعتشان ثبت شد. این درحالی بود که قبلاً از جماعت قبطی‌ها به صورت کلی یک مبلغ واحد در حدود سی هزار درهم گرفته می‌شد (Stilt, 122). سال بعد به خاطر جدیدیت مسئول جوالی و فراوانی مسیحیان مسلمان شده (مسالمه) (قاسم، اهل الذمه، ۷۰) مبلغ فراوانی از مسیحیان گرفته شد که مبلغ آن یازده هزار و چهارصد دینار گزارش شده است (مقریزی، الخطط، ۱/۲۰۱). به نظر می‌رسد این

۱- روک کلمه‌ای قبطی و به معنای مساحی زمین‌های زراعی و نوشتن و ثبت آن‌ها برای گرفتن خراج است (ابن تغری بردی، ۴۲/۱۹).

جزیه جوالی جایگزین جزیه برای مسالمة‌ای باشد که جزیه پرداخت نمی‌کردند. چنانکه گفته شد مبلغ این جزیه برای فقرا یک دینار، برای افراد متوسط دو دینار و برای ثروتمندان هم چهار دینار بود. ضمن دریافت مبلغ جزیه از فرد ذمی اقرار می‌گرفتند که به احکام اسلام التزام داشته باشد. در صورت امتناع از آن و نزاع با مسلمانان، زنا یا ازدواج با زن مسلمان، راهزنی و دزدی اموال و دارایی مسلمانان، فتنه‌انگیزی در دین اسلام، آزار و اذیت مسلمانان، قتل مسلمان و پناه دادن به مشرکان و دشمنان مسلمانان، علاوه بر أخذ جزیه تمام دارایی‌هایش مصادره و خودش هم به قتل می‌رسید (ابن اخوه، ۹۹).

درآمد جزیه، در این دوره به مصرف حقوق والیان، قضات، دانشمندان، محاسبان، جنگجویان و نیز عمران و آبادانی (راه‌سازی، ساختن مساجد، پل‌ها، کاروانسراها، رباط‌ها و لای‌روبی رودخانه‌ها) می‌رسید (بدرالعینی، *الروض الزاهره*، ۳۵-۳۶؛ اسماعیل، ۲۸۰). البته به نظر یکی از پژوهشگران مقدار مالیات قبطیان بیشتر از دیگر مردم مصر نبود (کاشف، ۱۶۵).

به کسی که جزیه را از قبطی‌ها دریافت می‌کرد عریف می‌گفتند که البته در دوره ممالیک این شخص دریافت‌کننده به مباشر جوالی معروف شد (قلقشندی، ۱۳/۳۶۲؛ قاسم، *اليهود*، ۱۲۵). او اسامی اهل جزیه را که بیشتر آنها قبطی‌ها بودند مطابق پرداختی آنان در کاغذی می‌نوشت. مباشر جوالی در هر سال رئیس یهودیان و رئیس سامره، کشیش مسیحیان یا اسقفان را مؤظف می‌کرد تا تغییرات آمار را با ذکر نام مهاجران، اسلام آورندگان، اموات و غیره در دفاتر دیوان جوالی وارد کنند (نویری، ۱۷۸/۸؛ اسماعیل، ۷۵). در این لیست، افرادی از یهودیان و مسیحیان که به صورت غیرمنتظره به مصر می‌آمدند تحت عنوان طواری (جمع طارئة به معنی فرد غیر بومی) نوشته می‌شد. البته شایان ذکر است که جزیه از هر دو طایفه یهودی و مسیحی گرفته می‌شد (قاسم، پیشین، ۱۴۲).

ب: مالیات‌های مَظالم و مَغارِم (فوق‌العاده)

تنگناهای مالی دولت از یکسو و حوادث غیرمترقبه چون سیل، خشکسالی و

آتش‌سوزی از سوی دیگر باعث شد تا دولت ممالیک علاوه بر جزیه از اهل ذمه و به خصوص قبطی‌ها مالیات‌های مضاعف و فوق‌العاده نیز اخذ کند (شرقاوی، ۶۴). این مالیات از یهودیان و مسیحیان و رئیس یهودیان و بطرک (سر اسقف) مسیحیان هم اخذ می‌شد و آن‌ها ملزم به پرداخت آن به خزانه سلطانی بودند (قاسم، *اليهود*، ۱۴۵).

در پی آتش‌سوزی سال ۶۶۳ در قاهره شایع شد که قبطیان مسیحی در این آتش‌سوزی دست داشتند بنابراین مسیحیان را برای جبران خسارتی که این آتش‌سوزی به بار آورده بود، به پرداخت مبلغ حدود پانصد هزار دینار تحت عنوان مالیات ملزم کردند که بطرک (سر اسقف مسیحیان) پرداخت این مبلغ را به عهده گرفت (نویری، ۱۱۴/۳۰). آتش‌سوزی قاهره در سال ۷۲۱ و جریمه آن هم از این نوع مالیات‌ها بود (قاسم، *اهل الذمه*، ۷۳).

یکی دیگر از این مالیات‌ها مصادرهٔ اموال بود. در زمان ملک اشرف (۶۷۸-۶۸۹) به سال ۶۸۲، به علت توهین یکی از کارمندان قبطی که به یک مسلمان بدهکار بود، دولت ممالیک، مسیحیان و یهودیان را از مناصب حکومتی عزل کرده اموال آنها را مصادره کردند (مقریزی، *الخطط*، ۴۱۶/۴-۴۱۷؛ بوتشر، ۲۶۶؛ تاجرچاک، ۱۷۶-۱۷۷). هرچند منبعی دیگر این حوادث را سال ۶۹۲ ذکر کرده‌است که اموال بسیاری از مسیحیان در قصرالشمع و کلیسای معلقه از بین رفت (بدر العینی، *عقد الجمان*، ۱۸۳/۳).

در زمان حکومت المؤید شیخ محمودی (حک. ۸۱۵-۸۲۴) در ابتدای قرن نهم به علت اسلام آوردن یهودیان و مسیحیان مالیات کاهش یافت (مقریزی، *الخطط*، ۲۰/۱). از این رو مقدار این مالیات‌ها سنگین‌تر شد (Stilt, 123). عدم توانایی پرداخت مالیات توسط عده‌ای باعث می‌شد تا از داخل جامعه قبطی کمک خیرخواهانه برای پرداخت مالیات اعضای فقیر صورت پذیرد (Cohen, 136-138). به سبب کاهش مالیات‌های اهل ذمه سپاهیان سلطان المؤید شیخ محمودی با توجه به حضور فعال قبطیان در تشکیلات حکومت ممالیک به تاجران بابلیون حمله کردند و آن‌ها را مجبور به پرداخت اموالی تحت عنوان مالیات کردند. این مالیات در واقع جریمه آنان به خاطر جمع‌آوری اموال و ثروت فراوان بود (بوتشر، ۲۷۲-۲۷۴).

با توجه به اینکه سهم سلطان و حقوق محتسب از راه جمع‌آوری مالیات به دست

می آمد اولویت اصلی گرفتن مالیات، ملاحظیات درآمد و منافع سلطان بود (Stilt, 124). محتسب در دوران مسئولیتش تنها به فکر گرفتن مالیات از کسبه بود. در اواخر دوران ممالیک پرداخت حقوق محتسب، به کسبه و مشتریان شان بستگی داشت و منجر به ایجاد یک سیستم رسمی تر شد که به موجب آن، کسبه پرداخت منظمی به محتسب به نام مشاهره (مقرری با پرداخت ماهیانه) داشتند (Stilt, 185).

با این حال، به نظر می رسد قبطی ها در تشکیلات دیوانی حکومت ممالیک نقش مهمی داشتند و حاکمان مملوکی از کارایی قبطیان در کارهای اداری و مالی استفاده می کردند و در برابر پیشرفت های مالی و اقتصادی و نفوذ سیاسی آنان که در جامعه نمود بسیاری داشتند واکنشی نشان نمی دادند. در مقابل علما بر ضد قبطی ها برمی خاستند، فتوا می دادند و با همراهی مردم کلیساها را خراب می کردند و اموال آنان را با عنوان شرعی مصادره می کردند (ابن الوردی، ۳۸۷/۲) چنان که در سال ۹۰۱، اموال تمام ثروتمندان از جمله مسیحیان قبطی تحت عنوان مالیات مظالم مصادره شد (همان، ۳۲۰/۳؛ قاسم، البیهود، ۱۴۶).

ج: مَکوس

مَکوس جمع مَکس، بیشتر به مالیات و عوارض گمرکی که از کالاها گرفته می شد اطلاق می شد. دریافت مالیات مَکوس در مصر، از دوره بیزانس رایج بود. این سرزمین با برخورداری از موقعیت راهبردی در منطقه، با قاره های اروپا، آسیا و آفریقا ارتباط داشت و به عنوان مرکز تجاری میان شرق و غرب شناخته می شد (کاشف، ۲۹۷-۲۹۸) و این نوع مالیات همواره از کالاهای تجاری وارداتی گرفته می شد. مالیات مَکوس از دوره والیان (۱۹) برای حاکمان مصری درآمدزا بود و از کالاهایی که کشتی ها در نیل انتقال می دادند، گرفته می شد (بدر العینی، عقد الجمان، ۸۱/۱).

در دوره ممالیک نیز، مَکوس از جمله مالیات هایی بود که حاکمان ممالیک از مسیحیان قبطی می گرفتند. این مالیات نوعی مالیات غیرشرعی بود که هیچ نوع دستاویز دینی برای آن وجود نداشت (Stilt, 187). از این رو، گاه حاکمان مملوکی برای جلب رضایت رعایای خود أخذ این مالیات را ملغی می کردند. مَکوس یا نقدی و یا به

صورت عین مال بود و افراد به اندازه وسعشان مجبور به پرداخت آن بودند (اسماعیل، ۱۸۶). مسئول جمع‌آوری این مالیات، یک مقام رسمی از دولت مملوکی بود و از آنجا که یک مالیات غیر معمول بود، به آسانی قابل تفویض به یکی از مقامات رسمی نبود و جمع‌آوری این مالیات، موضوعی حساس بود و اگر به درستی انجام نمی‌شد، می‌توانست به مقاومت پرداخت کنندگان منجر شود (Stilt, 186-187).

۱- مَکوس ساحل الغله

تجارت و خرید فروش گندم تا زمان الناصر محمد بن قلاوون در انحصار گروهی از مسیحیان قبطی بود. آنان در مکانی معروف به ساحل الغله در بولاق^۱ گندم‌های سراسر مصر را خرید و فروش می‌کردند و از این راه سالانه سودی بالغ بر چهار میلیون و ششصد هزار درهم بدست می‌آوردند. آنان با پرداخت سه هزار تا ده هزار درهم و امیران از ده هزار تا چهل هزار درهم، این انحصار را برای خود حفظ می‌کردند. این تجارت ظالمانه و نابرابر باعث ثروت فراوان برای قبطی‌های تاجر به عنوان صاحبان اقطاع شده بود که با دستور ناصر محمد بن قلاوون، این تجارت و مالیات آن باطل، و تولید آن به حکومت واگذار شد (مقریزی، خطط، ۱/۱۶۷؛ ابن تغری بردی، ۹/۴۴-۴۵).

۲- مَکوس فوق‌العاده

یکی از این مالیات فوق‌العاده زمانی بود که بیبرس در سال ۶۶۰ از هر قبطی سالیانه یک دینار برای لشکریانش می‌گرفت (اسماعیل، ۱۹۰). البته این نوع مالیات از زائران سرزمین‌های مسیحی مقدس با عنوان مَکس الحجاج نیز گرفته می‌شد چنان‌که در سال ۷۶۶، از هر فرد شصت و سه درهم نقره گرفته می‌شد. در سال ۸۸۵ این مبلغ به سیصد و هشتاد و سه درهم در سال هم رسید که سلطان قانصوه غوری در سال ۹۱۹ آن را ابطال کرد. شبه «جالیه مکوس»، ترکیبی از جزیه و مکوس است که قبطی‌ها نیز آن را پرداخت کرده ولی نمی‌دانستند که چه کسی این مالیات را بر آنها واجب کرده است. این مکوس را قبطی‌های شهرهای برلس، دمیاط، فارسکور و بلطیم می‌پرداختند و مقدارش

۱- شهری بزرگ و جزیره‌ای است که نیل آن را احاطه کرده است و دارای جمعیت و درختان خرماي زياد است (مقریزی، خطط، ۱/۳۳۸).

در هر سال شصت هزار درهم بود. سلطان منصور (حک. ۷۷۸-۷۸۳) در سال ۷۸۲ آن را ابطال کرد. نوع دیگری از مالیات مکوس قبطی‌ها، مالیاتی به نام «واجب الذمه» بود و تاجران اقباط آن را پرداخت می‌کردند (همان، ۱۹۱).

د: حقوق سلطانیه

در زمان سلطان آیبک (حک. ۶۴۸-۶۵۵) حاکم مملوکی بحری، مالیات‌هایی با عنوان‌های حقوق سلطانی و معاملات دیوانی به وجود آمد. وزیر قبطی او که تازه مسلمان شده بود، با وضع این مالیات، اموال فراوانی از قبطی‌ها برای سلطان فراهم آورد (مقریزی، السلوک، ۱/ ۵۰۶، ۵۰۷، ۲/ ۶۶۹؛ همو، الخطط، ۳/ ۱۶۴؛ تاجر جاک، ۱۷۴). پس از آن نیز مبالغی با این عنوان از یهودیان و قبطیان اخذ شده است. بازارهای مصر از این مالیات‌هایی که تعداد و میزان آن‌ها هر ساله رو به افزایش بود، رنج می‌برد. این مالیات‌ها به صورت ماهانه و هفتگی دریافت می‌شد و تأثیر بسیار زیان‌باری بر بازارها و تجارت داخلی به مفهوم عام داشت. گزارش‌های بسیاری در این باره وجود دارد: در سال ۷۴۹، برای ایجاد پل از سمت جیزه به سمت قاهره تمام مردم از جمله یهودیان و مسیحیان مجبور به پرداخت مالیات‌هایی شدند (قاسم، عصر السلاطین، ۲۶۶). در سال ۷۹۱، هنگام فرار ظاهر برقو و زمانی که امیر منطاش نقیب الجیش، شیخ شمس‌الدین محمد رکراکی قاضی مالکی را ملزم کرد به پادشاهی او فتوا دهد. او حتی بطرک (سر اسقف) مسیحیان و رئیس یهودیان را بازداشت کرد و از آن‌ها اموالی جهت رتق و فتق امور خواست که مبلغ آن از بطرک (سر اسقف) مسیحیان یک صد هزار درهم و از رئیس یهودیان پنجاه هزار درهم بود (مقریزی، السلوک، ۵/ ۲۶۴؛ ابن تغری بردی، ۳۰۱/۱۱).

در سال ۷۵۵، در زمان سلطان حسن بن ناصر محمد بن قلاوون (۷۶۳-۷۵۵) زمین‌های زیادی در اختیار قبطی‌ها بود به این جهت ۲۵۰۰۰ فدان از اراضی و منافع کلیساها و دیرها توقیف شد و به عنوان اقطاع به امیران انعام داده شد. البته به نظر می‌رسد علت اصلی این کار سلطان، گزارش‌هایی مبنی بر نفوذ و سوءاستفاده قبطیان از جمله توسعه کلیساها بود. سلطان با توجه به اختیارات خود برای مصادره، تحت عنوان مالیات، اقدام به گرفتن این زمین‌ها کرد (مقریزی، السلوک، ۴/ ۴۲۰).

در سال ۸۱۶ به زور و اجبار از خانواده شراب‌فروشان قبطی و گروه‌های سه‌گانه یهود سیصد قنینه (کوزه سفالی شراب) شراب برای سلطان مؤید شیخ (۸۲۴-۸۱۵) مالیات گرفته شد (مقریزی، السلوک، ۳۵۶/۶؛ قاسم، اهل الذمه، ۷۳). در سال ۸۱۹ هم والی قاهره از مسیحیان و یهودیان قاهره مالیات جدیدی برای سروسامان دادن اوضاع با همان اختیارات وصول کرد (قاسم، اليهود، ۱۴۶). برخی از افراد برای فرار از پرداخت مالیات پنهان می‌شدند و یا به شهرهای کوچک‌تر که فشار مالیاتی کمتر بود می‌رفتند (Goitein, 95). زیرا پرداخت نکردن مالیات می‌توانست منجر به تنبیه بدنی یا زندانی شدن آنان شود.

این حقوق سلطانی در برخی مواقع چندان زیاد بود که بازرگانان را به کم‌فروشی و تقلب در فروش کالاها سوق داده بود. سخاوی در ضمن گزارش حوادث سال ۸۴۷ می‌نویسد: «... کم‌فروشی در اوزان و تقلب در کالاها افزایش یافت و این موضوع به صورت شدیدی رایج شد و بازاریان را نسبت به آنچه از حقوق ماهانه و هفتگی بر آن‌ها تحمیل شده بود به طمع انداخت» (سخاوی، ۷۷).

و: مالیات تجهیز سپاه

حاکمان مملوکی به هنگام جنگ با صلیبی‌ها و مغولان نیاز مالی خود را از طریق مردم به‌ویژه قبطی‌ها برآورده می‌کردند. بیبرس (۶۵۸-۶۷۶) که با صلیبی‌ها و مغولان جنگ داشت در سال ۶۶۰ از قبطیان اموال زیادی به عنوان مالیات گرفت (ابن ایاس، ۳۴۱/۱؛ تاجر جاک، ۱۷۳). مالیات اعلام شده یک دینار برای هر فرد در سال بود که منصور قلاوون آن را در سال ۶۷۸ باطل اعلام کرد (مقریزی، الخطط، ۱۹۹/۱، قاسم، اهل الذمه، ۷۱).

اشرف قایتبای (۸۷۲-۹۰۱) برای تجهیز سپاه جهت نبرد با عثمانی‌ها در سال ۸۸۶ از بطرک (سر اسقف) مسیحیان و رئیس یهودیان اموالی را گرفت (کاشف، ۱۱۳). در سال ۸۹۳ نیز سلطان قایتبای این کار را تکرار کرد (ابن ایاس، ۲۴۸/۳) و به محتسبی به نام کاسبای دستور داد بزرگان کسبه بازار را دور هم جمع کند. سپس سلطان از آن‌ها خواست برای انجام یک مأموریت نظامی مبلغ چهل هزار دینار را به صورت گروهی

پرداخت کنند. هرچند ابتدا با مخالفت آنان روبرو شد ولی پس از مذاکراتی آن‌ها با پرداخت مبلغی توافقی موافقت کردند. با وجود اینکه در روایت، ماجرا مشخص نشده است اما مأموریت نظامی باید مربوط به جنگ‌های زمینی با عثمانی‌ها در سال ۸۹۱ باشد. کاسبای که از سال ۸۹۱ تا ۹۰۱ به عنوان محتسب مسئولیت داشت فردی نظامی بود و تمایل داشت مشکلات را با نشان دادن قدرت خود حل کند. تاریخ‌نگاران گزارش کرده‌اند که اندکی پیش از این ماجرا مردم فقیر از گرسنگی در خیابان‌ها می‌مردند. در پاسخ به این وضعیت، سلطان برخی از انبارها را باز کرد و گندم را به قیمت هر ارداب (واحد اندازه‌گیری شامل ۲۴ صاع و هر صاع معادل ۲,۷۵ لیتر (قلقشندی، ۱۵۲/۳) پنج دینار فروخت. بعد از آن کاسبای کسبه را برای کوتاهی در فراهم کردن و در اختیار گذاشتن نان در مغازه‌ها شلاق زد. کاسبای در دوران خدمتش در مورد سایر مسائل مربوط به قیمت‌ها و در دسترس قرار دادن غذا در شهر با همین روش رفتار می‌کرد (Stilt, 191).

سلطان مملوکی قانصوه غوری (۹۰۷-۹۲۲) آخرین سلطان مملوکی است که به منظور آمادگی جنگ مالیات‌های سنگینی را بر مردم از جمله قبطی‌ها تحمیل کرد (بوتشر، ۲۷۶-۲۷۷).

ط: مالیات مواریت

یکی دیگر از اموالی که از اهل ذمه حسب شریعت اسلامی گرفته می‌شد مواریت آنان بود و این در صورتی اجرایی می‌شد که شخص متوفی وارثی نداشته باشد. در این‌گونه موارد اموال او به خزانه دولت وارد می‌شد و بطرک قبطی هم ملزم به تأیید آن بود که این منشور در قصر سلطانی قرائت می‌شد (بوتشر، ۲۶۷). مواریت مسیحیان به همراه یهودیان در کتاب‌های دوره مملوکی از جمله مالیات‌های شرعی قلمداد شده که در دیوان «المواریت الحشریه» وارد می‌شد (قلقشندی، ۴۶۰/۳). مأمور دیوان مواریت در عصر ممالیک وظیفه داشت در هنگام بحران‌هایی از قبیل شیوع بیماری وبا و طاعون، جاری شدن سیل و خشکسالی که تعداد کشته‌شدگان افزایش می‌یافت، آمار کشته‌شدگان را ثبت کنند (اسماعیل، ۱۶۹). در سال ۷۰۰ و در زمان سلطان ناصر محمد

بن قلاوون (۶۹۸-۷۰۸) مواریت آنان نیز مثل مواریت مسلمانان در این دیوان جمع آوری، و اگر آن شخص وارثی نداشت مالکیت آن به بیت المال منتقل می شد و در واقع درآمدی برای دولت و حکومت بود (اسماعیل، ۱۷۰-۱۷۱).

گروهی از اشرار در رمضان سال ۸۴۱، بر مواریت اهل ذمه که باید تحت اختیار بطرک مسیحی می بود، مسلط شدند. اهل ذمه به سلطان متوسل شدند و سلطان نیز آن اموال را مصادره و جزو اموال سلطانی قرارداد (مقریزی، السلوک، ۳۵۱/۷؛ ابن ایاس، ۱۸۳/۲؛ ابن صیرفی، ۴۰۶/۳).

نتیجه

دولت ممالیک بخشی از درآمدهای مالیاتی خود را مانند دولت های پیشین با أخذ مالیات های چون خراج اراضی و جزیه از غیرمسلمانان به خصوص قبطی ها بدست می آورد. امور مالیاتی ممالیک که بر ظلم و ستم بر اقلیت مذهبی مسیحی و یهودی استوار بود، به سبب نبود نظام ثابت و نیز دشواری در مدیریت بودجه و همواره در حال تغییر و دگرگونی بود. ممالیک به سبب تغییرات آب و هوایی و وقوع بلاای طبیعی دچار کبود تولید شده بودند همچنین آنها به علت فساد نظام اداری و تداوم سیاست جنگی درگیر افزایش هزینه های دولتی شده بوند به همین رو سلاطین مملوکی برای رفع تنگناهای مالی مجبور شدند تا در تعداد مالیات ها و چگونگی و مقدار دریافت آنها از غیر مسلمانان تغییراتی ایجاد کنند. ممالیک به بهانه های مختلف مالیات های قبطیان را اضافه کردند و با دریافت مالیات های چون: جزیه، ساحل الغله، حقوق سلطانیه، مظالم، مکوس، مواریت، جریمه و مالیات برای تجهیز سپاه، تلاش کردند تا ضمن خروج از تنگناهای مالی، کسری بودجه خود را جبران نمایند.

منابع

- ابن اخوه، قرشى، محمد بن احمد، معالم القرية فى احكام الحسبة، تحقيق دكتور محمد شعبان و صديق احمد عيسى المطيعى، قاهره، الهيئه المصريه العامه للكتاب، ١٩٧٦م.
- ابن الوردى، عمر بن مظفر، تاريخ ابن الوردى، نجف، مطبعة الحيدريه، ١٣٨٩ش.
- ابن اياس، محمد بن احمد، بدائع الزهور فى وقائع الدهور، تحقيق محمد مصطفى، بيروت، معهد الالمانى للابحاث الشرقيه، ٢٠١٠م.
- ابن تغرى بردى اتابكى، جمال الدين ابى المحاسن يوسف، النجوم الزاهرة فى ملوك مصر و القاهره، بيروت، دارالكتب العمليه، چاپ اول، ١٩٩٢م.
- ابن صيرفى، خطيب جوهرى على بن داود، نزهة النفوس و الابدان فى تواريخ الزمان، تحقيق دكتور حسن حبشى، بيروت، مطبعة دارالكتب، ١٩٧١م.
- ابن عبدالحكم ابى القاسم عبدالرحمن بن عبدالله، فتوح مصر و اخبارها، مطبعة بريل، ليدن، ١٩٢٠م.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، بى تا.
- اسماعيل، بيومى، النظم المالىه فى مصر والشام زمن سلاطين المماليك، قاهره، الهيئه المصريه العامه للكتاب، ١٩٩٨م.
- بدر العينى، محمود بن احمد، الروض الزاهره فى سيره ملك الظاهر ططر، تحقيق دكتور هانس ارنست، بيروت، داراحياء الكتب العربى، ١٩٦٢م.
- بدر العينى، محمود بن احمد، عقدالجمان فى تاريخ اهل الزمان، تحقيق دكتور محمد امين، قاهره، الهيئه المصريه العامه للكتاب، ١٩٨٩م.
- بوتشر، لوئيزا، تاريخ الكنيسه المصريه، ترجمه و تلخيص مينخاييل مكسى اسكندر، مكتبه المحبه، چاپ اول ٢٠٠٣م.
- تاجر جاك، اقباط و مسلمون منذ الفتح العربى الى عام ١٩٢٢ م، قاهره، كراسات التاريخ المصرى، ٢٠١٠م.
- خوارزمى، محمد بن احمد، مفاتيح العلوم، مصر، اداره الطباعة المنيره، ١٣٤٢ش.

- دنت دانيل، ماليات سرانه و تأثير آن در گرايش به اسلام، ترجمه محمد على موحد، تهران، شركت سهامى انتشارات خوارزمى، چاپ دوم ۱۳۵۴ش.
- سخاوى، شمس الدين محمد بن عبدالحمن، التبر المسبوك فى ذيل السلوك، تحقيق ا. نجوى مصطفى كامل و لبيبه ابراهيم مصطفى، قاهره، دارالتب الوثاق، ۲۰۰۲م.
- شبارو، عصام محمد، السلاطين فى المشرق العربى معالم دورهم السياسى و الحضارى، بيروت، دارالنهضة العربيه للطباعه و النشر، ۱۹۹۴م.
- شرفاوى مديحه، برسباى و سياسته الداخليه و الخارجيه، قاهره، الدارالثقافيه، چاپ اول، ۲۰۰۸م.
- طقوش، محمد سهيل، تاريخ المماليك فى مصر و بلاد الشام، بيروت، دارالنفائس، ۱۹۹۷م.
- عامر فاطمه، مصطفى، تاريخ اهل الذمه فى مصر الاسلاميه من الفتح العربى الى نهايه العصر الفاطمى، الهيئه المصريه العامه للكتاب، ۲۰۰۰م.
- عطا، زيده محمد، اليهود فى العالم العربى، عين للدراسات و البحوث الانسانيه و الاجتماعيه، چاپ اول، ۲۰۰۳م.
- قاسم، عبده قاسم، اليهود فى مصر من الفتح الاسلامى حتى الغزو العثمانى، مصر، عين للدراسات و البحوث الانسانيه و الاجتماعيه، چاپ اول، ۱۴۳۶.
- قاسم، عبده قاسم، اهل الذمه فى مصر العصور الوسطى دراسته و تائقيه، قم، دارالمعارف، چاپ دوم، ۱۹۷۹م.
- قاسم، عبده قاسم، عصر سلاطين المماليك، التاريخ السياسى و الاجتماعى، مصر، عين للدراسات و البحوث الانسانيه و الاجتماعيه، چاپ اول، ۲۰۱۲م.
- فلقشندى، احمد بن على، صبح الاعشى فى صناعه الانشاء، قاهره، دارالكتب المصريه، دارالكتب السلطانيه، ۱۹۱۸م.
- كاشف، سيده اسماعيل، مصر الاسلاميه و اهل الذمه، قاهره، الهيئه المصريه للكتاب، ۱۹۹۳م.
- ماوردى، ابن الحسن على بن محمد بن حبيب، احكام السلطانيه و الولايات الدينيه، بيروت، دارالكتب العلميه، بى تا.

- محمود، سلام شافعی، *اهل الذمه في مصر العصر الفاطمي الثاني و العصر الايوبي*، قم، دارالمعارف، ۱۹۸۲م.
- مقریزی، تقی الدین، *اغاثة الامة بكشف الغمة*، قام علی نشره محمد مصطفی زیاده، جمال الدین الشیال، قاهره، مطبعه لجنه التألیف و الترجمه و النشر، چاپ دوّم، ۱۹۵۷م.
- مقریزی، تقی الدین، *السلوک لمعرفة دول الملوك*، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۷م.
- مقریزی، تقی الدین، *المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار*، مصحح و محشی خلیل منصور، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۸م.
- میکل، آندره با همکاری هانری لوران، *اسلام و تمدن اسلامی*، ترجمه حسن فروغی، تهران، سمت، ۱۳۸۱ش.
- نجوان، احمد سعید، *الحسبه في مصر عصر سلاطين المماليك دراسته في التاريخ الاقتصادي والاجتماعي*، هرم، عین للدراسات و البحوث الانسانیة و الاجتماعیه، چاپ اول ۲۰۱۴م.
- نورایی مرتضی و مهناز شعر بافچی زاده، *تاریخ نگاری محلی و خطط نویسی در مصر دوره اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول ۱۳۹۰ش.
- نویری، شهاب الدین احمد، *نهاية الارب في فنون الادب*، تحقیق دکتر نجیب مصطفی فواز - دکتر، کشلی فواز، بیروت، منشورات محمد علی بیضون و دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۲۰۰۴م.
- یاقوت حموی، *معجم البلدان*، دار صادر و دار بیروت، بی جا، ۱۹۵۷.
- Stilt, Kristen, *Islamic Law in Action: Authority, Discretion, and Everyday Experiences in Mamluk Egypt*, Oxford University Press, New York, 2011.
- Goitein, Solomon Deb Fritz, *A Mediterranean Society: The Jewish Communities of the Arab world as Portrayed in the Documents of the Cario Geniza*, University of California Press, 1967.
- Cohen Mark R, *Poverty and Charity in the Jewish Community of Medieval Egypt*, Princeton university press, Princeton, 2005.